رسالت
سال چهلم ■ شماره ۱۱۲۳۰ ■ روزنامه صبح ایران

«رسالت» بررسی کرد:

خطر تحصیل در مدارس ناایمن!

ساختمان مدارس کشور فرسوده‌اند و بسیاری از آن‌ها با تغییر کاربری به مدرسه تبدیل شده‌اند. از آن جا که قرار نبوده است این ساختمان‌ها مدرسه باشند، اغلب استانداردها و ایمنی لازم را ندارند. بی‌تردید تعداد زیاد دانش‌آموزان در مدارسی که ایمنی بالایی ندارند، خطر وقوع حوادث و پیامدهای پس از آن را افزایش می‌دهد، با این حال، مسئولان آموزش‌وپرورش همواره به نبود بودجه برای عدم نوسازی و بازسازی مدارس اشاره دارند.

طی سال‌های گذشته، فرسودگی مدارس بارها از کودکان در نقاط مختلف کشور، قربانی گرفته است؛ نمونه آن ریزش دیوار فرسوده مدرسه‌ای دریکی از روستاهای توابع سنندج در مهرماه سال ۱۳۹۷ است که دنیا ویسی، دانش‌آموز کلاس اول دبستان جانش را از دست داد. زمستان همان سال، آتش‌سوزی بخاری نفتی دریکی از مدارس فرسوده زاهدان، جان چهار دختر هفت‌ساله را گرفت و آذرماه سال ۹۱ هم به دنبال آتش گرفتن بخاری یک کلاس ۳۷ نفره در مدرسه شین‌آباد درپیرانشهر، ۱۲ دانش‌آموز گرفتار شعله‌های آتش شدند. این دانش‌آموزان دچار سوختگی ۳۰ تا ۶۰ درصدی شدند. سوختگی‌هایی که بیشتر درناحیه سر، گردن، صورت و سینه اتفاق افتاد. آبان ماه سال ۱۴۰۰ نیز بر اثر ریزش دیوار مدرسه‌ای در علی‌آباد کتول استان گلستان، هفت کودک مصدوم شدند. خرداد ماه سال ۱۴۰۱ ویدئویی در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد سقف یک مدرسه فرسوده در روستایی در استان هرمزگان، بر سر دانش‌آموزان خردسال این مدرسه فروریخته است.

وضعیت مدارس پایتخت نیز چندان مناسب نیست. رئیس سازمان آتش‌نشانی تهران سال گذشته اعلام کرد که ۵۰ درصد مدارس پایتخت ناایمن و فرسوده‌اند. قدرت‌الله محمدی، مدیرعامل آتش‌نشانی تهران، با اعلام این خبر از اینکه وزارت آموزش‌وپرورش در سال‌های اخیر برای رفع مشکلات ایمنی ساختمان مدارس تهران و بازسازی یا نوسازی آن‌ها اقدامی نکرده است انتقاد کرد.

این مدیر دولتی افزود: «مدارس تهران وضعیت خوبی ندارند و از سال گذشته تاکنون حتی یک پرونده مبنی بر اینکه مدرسه‌ای اقدامات ایمن‌سازی را انجام داده باشد، به دست ما نرسیده است.»

در همین زمینه نصرت حسینی، کارشناس امور اجتماعی، در گفت‌وگو با فارس تأیید کرده که مدارس کشور، بودجه‌ای برای حوزه ایمن‌سازی ندارند و «حتی در پرداخت قبوض آب و برق خود هم دچار مشکل هستند.»

امانکته مهم در مورد فرسودگی مدارس اینجاست که برخلاف تصور عمومی، مدارس غیرانتفاعی که شهریه‌های هنگفت برای ثبت‌نام دانش‌آموزان می‌گیرند هم گاه فرسوده و ناایمن هستند. اگرچه به تازگی آماری از مدارس فرسوده غیرانتفاعی منتشر نشده، اما سال ۱۳۹۶ یک عضو شورای شهر تهران اعلام کرده بود که ۷۰ درصد مدارس غیرانتفاعی شهر تهران در بناهای فرسوده ایجاد شده‌اند.

حجت‌الله بنیادی، پژوهشگر حوزه آموزش در این زمینه به «رسالت» می‌گوید: وضعیت فرسودگی مدارس نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش برنامه عملیاتی دقیق و اثربخشی برای نوسازی و حذف مدارس فرسوده نداشته و نهادهای نظارتی و به طور خاص مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه اقدام اثربخشی نکرده است.

مطابق دیدگاه این پژوهشگر، آموزش‌وپرورش برای تأمین ونوسازی فضاهای مورد نیاز و حذف مدارس فرسوده بیش از همه چیز و حتی بیش از تخصیص بودجه دولتی نیازمند تغییر رویکرد و راهبرد است. عملکرد نابسنده و ضعیف آموزش‌وپرورش در تأمین فضاهای مورد نیاز با وجود مشارکت بسیار پررنگ خیرین مدرسه‌ساز نشان می‌دهد ساختار برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور و ظرفیت‌های سازمان نوسازی مدارس با راهبردها و ساختار کنونی، توان و ظرفیت تأمین فضاهای مورد نیاز مدارس کشور را ندارد و آموزش‌وپرورش چاره‌ای جز این ندارد که مطابق قوانین و تجربیاتی که از سال ۱۳۳۴ در کشور بنا نهاده شده، از ظرفیت و توان شهرداری‌ها و به خصوص منابع درآمدی آن‌ها برای تأمین فضاهای آموزشی استفاده کند.

واگذاری امور مختلف شوراهای آموزش‌وپرورش به سازمان مدارس غیردولتی و نگرش تشریفاتی به شوراهای آموزش‌وپرورش یکی دیگر از رویکردهای نادرست آموزش‌وپرورش است که تا حد زیادی در وضعیت نابسامان ساخت و ساز مدارس و وجود مدارس فرسوده نقش و اهمیت دارد.

بنیادی تأکید می‌کند که تجربه چندده ساله کشور و تلاش‌های ناموفق برای حذف مدارس فرسوده و ناایمن ایجاب می‌کند وظیفه ساخت و سازمدارس همانند گذشته به شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر (انجمن شهر) و شوراهای آموزش‌وپرورش شهرستان‌ها واگذار شود و آموزش‌وپرورش نیازها و الزامات آموزشی و تربیتی خود را در این زمینه به آن‌ها ابلاغ نماید.

***

جناب بنیادی چرا برای مقاوم‌سازی مدارس فرسوده یا ساخت مدارس جدید اقدامی صورت نمی‌گیرد و کیفیت کلاس‌های درس در مدارس دولتی تا به این حد پایین است؟ چرا بودجه وزارت آموزش‌وپرورش و سازمان نوسازی و تجهیز مدارس در سال‌های اخیر به طور کامل پرداخت نشده است مگر مسئله‌ای مهم‌تر از تأمین امنیت جان دانش‌آموزان هم وجود دارد؟

ریشه اصلی بسیاری از مسائل و کمبودها در ساخت و ساز مدارس و تجهیز آن‌ها اتخاذ راهبردهای نادرست و بی‌اعتنایی مسئولان آموزش‌وپرورش به اجرا، بازنگری و به روزآوری قوانین در این زمینه است. قانون تأسیس سازمان نوسازی مدارس مصوب سال ۱۳۵۴ است که با گذشت ۵۰ سال از آن و تغییرات متعدد در ساختارهای دولت و به خصوص تصویب سند تحول هنوز بازنگری نشده است. بدتر آن که برخی از مفاد مهم قانون مذکور نیز به درستی اجرا نمی‌شوند. مطابق قانون، یکی از ارکان مهم سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور، شورای سازمان است که وظایف و اختیارات آن مطابق قانون در سال ۱۳۵۴ به تصویب هیئت وزیران رسیده است. مطابق قانون رئیس این شورا وزیر آموزش‌وپرورش و اعضای آن شامل معاون سازمان برنامه و بودجه، رئیس یا معاون سازمان اداری و استخدامی و معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاون وزارت راه و شهرسازی و معاون وزارت تعاون و امور روستاها، معاونان اداری و مالی و طرح و بررسی‌ها و یک معاون دیگر وزارت آموزش‌وپرورش با انتخاب وزیر آموزش‌وپرورش هستند. با وجود ترکیب اعضا و اختیارات و وظایف قانونی متناسب این شورا، در برنامه‌ها و عملکرد سازمان نوسازی مدارس مستندی در خصوص مصوبات و تشکیل جلسات آن دیده نمی‌شود.

در بخش دیگری از این قانون به سازمان اختیار داده شده است تا بتواند «مباشرت عملیات اجرایی را به شوراهای آموزش‌وپرورش مناطق یا کمیسیون‌های ۳ درصد (ناظر سهم آموزش‌وپرورش) موضوع قانون نظارت در مصرف سهمیه آموزش‌وپرورش مصوب تیر ماه ۱۳۳۴ محول نماید که طبق مقررات ناظر بر اعتبارات مربوط عمل شود.». اما با وجود قانون بسیار خوب و محکم در این زمینه، استفاده از این ظرفیت هم نادیده گرفته شده است و سازمان نوسازی به جای انجام درست وظایف خود در بستر قوانین مربوط، اقدام به توسعه نادرست ساختار سازمانی نموده و موجب شده ظرفیت‌ها و فرصت‌های قانونی به فراموشی سپرده شوند.

مطابق «قانون نظارت بر مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۲۸» در مرکز هر حوزه شهرداری کمیسیونی به نام کمیسیون ناظر سهم فرهنگ که دارای شخصیت حقوقی است مرکب از رئیس فرهنگ-رئیس انجمن شهر و یا نماینده آن انجمن و سه نفر از معتمدین محل به پیشنهاد اداره فرهنگ و تصویب فرماندار یا جانشین او و برای نظارت در مصرف سهم فرهنگ تشکیل می‌شود و انجام این وظیفه ملی افتخاری است و حق الزحمه ندارد. در ماده (٤) این قانون مقرر شده «درآمد حاصل از صدی ۵ مزبور مادامی که احتیاجات ساختمان‌های فرهنگی مرتفع نشده باید منحصرا به مصرف ساختمان و تهیه ابنیه فرهنگی و خرید زمین برسد و درآمد مربوط به هر حوزه شهرداری مخصوص به همان حوزه است و به هیچ‌عنوان دیناری از آن را نمی‌توان در حوزه و محل دیگری به مصرف رسانید.» در تبصره ذیل این ماده پیش‌بینی شده؛ هرگاه درآمد حاصل از ۵ درصد محلی کافی برای ایجاد ساختمان نباشد کمیسیون می‌تواند با اعتبار درآمد سال‌های بعد تا میزان ۵ برابر درآمد سالانه استقراض و از درآمد سال‌های بعد مستهلک نماید. در ماده (۵) وظایف کمیسیون نظارت در موارد ذیل تعیین شده است:

الف) خریداری زمین جهت ایجاد بنای مدرسه علاوه بر آنچه متمکنین برای ساختمان اهدا می‌کنند.

ب - خریداری محل و خانه‌های آماده و ساخته شده که مناسب محل مدرسه باشد. ج - تعمیر و تکمیل ابنیه موجود مدارس و تهیه زمین ورزش.

در تبصره ذیل این ماده نیز مقرر شده «چنانچه دولت و یا شهرداری مالک زمینی باشند که برای احداث ساختمان مدرسه بتوان از آن استفاده نمود باید آن را بلاعوض برای ساختمان فرهنگی منتقل نمایند.» این موارد بخش‌های مختصری از قوانین گذشته کشور است که متأسفانه نادیده گرفته شده و به نوعی منسوخ شده‌اند.

نکته بسیار مهم دیگری که در این قانون درج شده این است که «وزارت فرهنگ و وزارت کشور مأمور اجرای این قانون می‌باشند». به این معنا که در تأمین فضاهای آموزشی و ورزشی مدارس وزارت کشور نیز وظیفه و مأموریت دارد.

همچنین در ماده (۲) قانون تأسیس سازمان نوسازی مدارس، مصوب سال ۱۳۵۴، اولین وظیفه سازمان «انجام دادن بررسی‌های لازم برای استقرار مدارس در مناطق مختلف کشور باتوجه به تغییراتی که از نظر مسائل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود» تعیین شده است. این وظیفه در سال ۱۳۹۰ از سند محول نماید که طبق مقررات ناظر بر اعتبارات مربوط عمل شود.». اما با وجود قانون بسیار خوب و محکم در این زمینه، استفاده از این ظرفیت هم نادیده گرفته شده است و سازمان نوسازی به جای انجام درست وظایف خود در بستر قوانین مربوط، اقدام به توسعه نادرست ساختار سازمانی نموده و موجب شده ظرفیت‌ها و فرصت‌های قانونی به فراموشی سپرده شوند.

مطابق «قانون نظارت بر مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۲۸» در مرکز هر حوزه شهرداری کمیسیونی به نام کمیسیون ناظر سهم فرهنگ که دارای شخصیت حقوقی است مرکب از رئیس فرهنگ-رئیس انجمن شهر و یا نماینده آن انجمن و سه نفر از معتمدین محل به پیشنهاد اداره فرهنگ و تصویب فرماندار یا جانشین او و برای نظارت در مصرف سهم فرهنگ تشکیل می‌شود و انجام این وظیفه ملی افتخاری است و حق الزحمه ندارد. در ماده (٤) این قانون مقرر شده «درآمد حاصل از صدی ۵ مزبور مادامی که احتیاجات ساختمان‌های فرهنگی مرتفع نشده باید منحصرا به مصرف ساختمان و تهیه ابنیه فرهنگی و خرید زمین برسد و درآمد مربوط به هر حوزه شهرداری به همان حوزه است و به هیچ‌عنوان دیناری از آن را نمی‌توان در حوزه و محل دیگری به مصرف رسانید.» در تبصره ذیل این ماده پیش‌بینی شده؛ هرگاه درآمد حاصل از ۵ درصد محلی کافی برای ایجاد ساختمان نباشد کمیسیون می‌تواند با اعتبار درآمد سال‌های بعد تا میزان ۵ برابر درآمد سالانه استقراض و از درآمد سال‌های بعد مستهلک نماید. در ماده (۵) وظایف کمیسیون نظارت در موارد ذیل تعیین شده است:

الف) خریداری زمین جهت ایجاد بنای مدرسه علاوه بر آنچه متمکنین برای ساختمان اهدا می‌کنند.

ب - خریداری محل و خانه‌های آماده و ساخته شده که مناسب محل مدرسه باشد. ج - تعمیر و تکمیل ابنیه موجود مدارس و تهیه زمین ورزش.

در تبصره ذیل این ماده نیز مقرر شده «چنانچه دولت و یا شهرداری مالک زمینی باشند که برای احداث ساختمان مدرسه بتوان از آن استفاده نمود باید آن را بلاعوض برای ساختمان فرهنگی منتقل نمایند.» این موارد بخش‌های مختصری از قوانین گذشته کشور است که متأسفانه نادیده گرفته شده و به نوعی منسوخ شده‌اند.

نکته بسیار مهم دیگری که در این قانون درج شده این است که «وزارت فرهنگ و وزارت کشور مأمور اجرای این قانون می‌باشند». به این معنا که در تأمین فضاهای آموزشی و ورزشی مدارس وزارت کشور نیز وظیفه و مأموریت دارد.

همچنین در ماده (۲) قانون تأسیس سازمان نوسازی مدارس، مصوب سال ۱۳۵۴، اولین وظیفه سازمان «انجام دادن بررسی‌های لازم برای استقرار مدارس در مناطق مختلف کشور باتوجه به تغییراتی که از نظر مسائل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود» تعیین شده است. این وظیفه در سال ۱۳۹۰ از سند تحول بنیادین در اواخر (۲۱-۲) آموزش‌وپرورش آمده است و سازمان نوسازی به این شکل مکلف به؛ «استقرار نظام مکان‌یابی مدارس بر اساس سامانه آمایش سرزمین و تحولات جمعیتی (ناظر به ۵۰ سال آینده)» شده است. در اسناد منتشر شده توسط آموزش‌وپرورش (سازمان نوسازی مدارس) و به خصوص اسناد مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، چیزی با عنوان نظام مکان‌یابی مدارس یافت نمی‌شود و آنچه منتشر شده است در حد کلیات و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی شبیه سند تحول است که با بارها در دیگر اسناد ذکر شده‌اند.

بنابراین ریشه اصلی کمبود مدرسه؛ مدارس فرسوده، کلاس‌های پرجمعیت (ناشی از کمبود فضای آموزشی) و مدارس خالی از دانش‌آموز (در برخی مناطق روستایی)، اتخاذ راهبردهای نادرست تمرکزگرا، بی‌اعتنایی به قوانین و ظرفیت‌های منطقه‌ای و ضعف و ناتوانی سازمان نوسازی مدارس در تدوین و استقرار نظام مکان‌یابی یکپارچه است. ضعف در برنامه‌ریزی ساخت و ساز مدارس به گونه‌ای است که در شهر تهران و برخی شهرهای دیگر در عین وجود کلاس‌های پرتراکم مدارس فرسوده، برخی از مدارس دولتی به مؤسسان مدارس غیردولتی اجاره داده شده است! تعداد قابل توجه مدارس فرسوده و ناایمن، در کنار راهبردها و تجربه چندده ساله کشور با وجود حضور پررنگ و درخور تحسین خیران مدرسه‌ساز نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش نیازبه یک تغییر اساسی در راهبردهای خود برای تأمین فضاهای آموزشی و تربیتی از طریق به روزی آوری، اصلاح و تصویب قوانین و به خصوص دو قانونی که به آن‌ها اشاره شد دارد. رویکرد کنونی آموزش‌وپرورش در حال حاضر به گونه‌ای است که نه توان آن را دارد که نظام مکان‌یابی یکپارچه مدارس را مستقر و با تأمین اعتبارات لازم، ساخت و ساز مدارس را مبتنی بر عدالت و بر اساس یک چشم‌انداز شفاف مدیریت کند و نه اراده آن را دارد که موضوع ساخت و سازمدارس را به شوراهای اسلامی شهر و شوراهای آموزش‌وپرورش مناطق و شهرستان‌ها واگذار کند.

علاوه بر مدارس دولتی، مدارس خصوصی که با نام «غیرانتفاعی» در ایران فعالیت می‌کنند نیز به رغم دریافت شهریه‌های کلان، اکثرا به اجاره ساختمان‌های قدیمی و فرسوده برای برپایی مدارس خصوصی رو می‌آورند که این مسئله موجب به خطر افتادن جان کودکان می‌شود، چرا این وضعیت باید در مدارس غیردولتی نیز وجود داشته باشد؟

در خصوص ساختمان‌های فرسوده و غیراستاندارد مدارس غیردولتی موضوع فرق می‌کند. مدارس غیردولتی مطابق قانون تأسیس و آیین‌نامه‌های مربوط تا کنون چندین بار موظف شده‌اند در فرصت‌های دو تا سه ساله فضاهای خود را مطابق ضوابط و مقررات تأمین کنند ولی این موضوع به جز در چند مدرسه خاص تحقق نیافته است. ساختمان عموم مدارس غیردولتی ساختمان‌های قدیمی مسکونی هستند که با اندک تغییری و با مجوز سازمان نوسازی مدارس به مدرسه تبدیل شده‌اند. در اینجا، تعارض منافع، فساد، نفوذ و فشارهای سیاسی و اجتماعی برخی مؤسسان مدارس غیردولتی و ضعف و ناتوانی سازمان نوسازی و سازمان مدارس غیردولتی سبب شده، این مدارس حداقل‌های لازم برای یک فضای آموزشی را نداشته باشند. بر اساس سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش ساختار رسمی آموزش کشور (۳-۳-۳-۳) است. یعنی مدارس ابتدایی در دو دوره اول (پایه‌های اول تا سوم) و دوره دوم (پایه‌های چهارم تا ششم) در ساختمان‌های مجزا و مستقل باید فعالیت کنند. اما ضعف عملکرد وزارت آموزش‌وپرورش و ضعف نظارت نهادهای ناظر، به خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی سبب شده، این موضوع حتی در مدارس غیردولتی نیز رعایت نشود. در مدارس غیردولتی که دوپایه پیش‌دبستانی هم دارند، دانش‌آموزان و کودکان پیش‌دبستانی ۸ر۵ پایه متفاوت و با تفاوت سنی بسیار زیاد در فضای محدود یک ساختمان ویلایی قدیمی به تحصیل مشغول هستند. عموم این مدارس از حداقل فضای مناسب کلاسی و حیاط برای زنگ‌های تفریح و امکانات ورزشی، آزمایشگاهی، کارگاهی و... برخوردار نیستند و استقرار و فعالیت آن‌ها خلاف ضوابط و مقررات است ولی با مجوز سازمان نوسازی مدارس سال‌هاست که فعالیت می‌نمایند. به عبارتی می‌توان گفت نتایج زیانبار راهبردهای ناصحیح وزارت آموزش‌وپرورش در تأمین فضاهای آموزشی، فرهنگی، ورزشی، اردویی و تفریحی برای دانش‌آموزان نه‌تنها در مدارس دولتی نمایان است، بلکه در مدارس غیردولتی هم که با سرمایه اشخاص غیردولتی تأسیس می‌شوند آشکار است. ضعف و ناتوانی سازمان نوسازی مدارس محدود به عدم تأمین فضاهای مورد نیاز مدارس دولتی و ضعف در نظارت بر ساختمان مدارس غیردولتی نیست. این سازمان در خصوص طراحی مدارس متناسب با اقلیم، اقتضائات منطقه، دوره تحصیلی و جنسیت ضعف‌های اساسی دارد. در سایت رسمی و دیگر انتشارات این سازمان، الگوها، طرح‌ها و نقشه‌های ساخت مدارس از قبیل هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به تناسب رشته‌ها و برنامه‌ها، مدارس شبانه‌روزی، مدارس ابتدایی دوره اول، دوره دوم و... دیده نمی‌شود.

بودجه سالانه برخی نهادها افزایش چشم‌گیری دارد، اما بودجه وزارت آموزش‌وپرورش در قرعه‌جدول قرار دارد و مسئولان آموزش‌وپرورش همواره به نبود بودجه برای عدم نوسازی و بازسازی مدارس اشاره دارند. اما چرا باید اعتبار سایر بخش‌ها و نهادها برای امنیت کودکان ارجحیت داشته باشد؟

متأسفانه ساختار بودجه آموزش‌وپرورش یک ساختار غیرعلمی است که توانایی تأمین اعتبارات حداقلی را ندارد. وضعیت نابه‌هنجار بودجه آموزش‌وپرورش نه‌تنها در اعتبارات ساخت و ساز مدارس، بلکه در سایر بخش‌ها از تأمین حقوق و مزایای معلمان، سرانه مدارس شبانه‌روزی، سرانه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان و... نیز وجود دارد. با تأسف باید بپذیریم که در کشور ما نظام بودجه‌ریزی و طراحی لایحه بودجه بر مبنای وظایف، مأموریت دستگاه‌ها و سازمان‌ها و اولویت‌های کشور نیست. آنچه در لایحه بودجه مهم است، سوابق قبلی و قدرت نفوذ، استدلال، اقناع، چانه‌زنی و ارتباط و تعامل مدیران دستگاه مربوطه است. وضعیت بودجه آموزش‌وپرورش نشان می‌دهد که این وزارتخانه در زمینه ارائه استدلال و اقناع مدیران سازمان برنامه و بودجه ضعیف عمل کرده است. از ظرفی آموزش‌وپرورش در گزارش‌های خبری و مصاحبه‌ها همه چیز را مطلوب و مناسب نشان داده است، غافل از اینکه این مصاحبه‌ها می‌تواند در تخصیص اعتبارات مبنا و محل استناد مدیران سازمان برنامه و بودجه قرار گیرد. لذا یکی از دلایل وضعیت بودجه نامناسب آموزش‌وپرورش، گزارش‌های خلاف واقعی است که وضعیت آموزش‌وپرورش را گل و بلبل نشان می‌دهد. گزارش‌هایی که از میزان رشد بودجه، افزایش حقوق معلمان و ساخت و ساز مدارس ارائه می‌شوند به گونه‌ای هستند که مخاطب تصور می‌کند در آموزش‌وپرورش همه چیز و به راه است و هیچ کم و کسری وجود ندارد. کم نیستند ویرانی‌هایی که با گزارش‌ها و آمارهای ناقص، انتخابی و مغایر با واقعیت سعی کرده و می‌کنند اوضاع وزارتخانه را روبه راه نشان دهند و خود را از وزیر و دولت قبلی موفق‌تر معرفی کنند.

نگرش نادرست به مأموریت‌های آموزش‌وپرورش یکی دیگر از دلایل کمبود اعتبارات ساخت و ساز مدارس است. زمانی که دردل خود آموزش‌وپرورش طرح‌هایی برای تشکیل معاونت اقتصادی تدوین می‌شود، به این معناست که مدیران آموزش‌وپرورش فهم درستی از مأموریت و مسئولیت وزارت آموزش‌وپرورش ندارند. در قانون مصوب ۱۳۳۴، مسئولیت تأمین فضاهای آموزشی و ورزشی مشترکا برعهده وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت کشور نهاده شده است. شوراهای آموزش‌وپرورش مناطق، انجمن شهر، کمیسیون‌های خاص وظیفه رصد و نظارت بر کار شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی در تأمین فضاهای آموزشی را برعهده داشتند. اما در حال حاضر آموزش‌وپرورش همه این ظرفیت‌ها و ساختارها را نادیده گرفته و سعی دارد با استفاده از فضاهای موجود خود که برای تأمین نیازهای کنونی دانش‌آموزان و معلمان کافی نیستند، درآمدزایی کند. با وجود سهم و اهمیت بسیار زیاد فعالیت‌های اردویی در رشد همه جانبه دانش‌آموزان، ظرفیت اردوگاه‌های دانش‌آموزی که به غلط در فهرست درآمدزایی آموزش‌وپرورش قرار گرفته‌اند، آنقدر ناکافی است که میانگین حضور دانش‌آموزان در اردوهای شبانه‌روزی در کل ۱۲ سال دوره تحصیل به ۲ اردو نمی‌رسد!

برخی منابع به فرسودگی ۵۰ درصد مدارس اشاره دارند و با توجه به بالا بودن امکان وقوع بلایای طبیعی در ایران، این آمار بدان معناست که هر لحظه خطر دانش‌آموزان را به ویژه در مناطق محروم تهدید می‌کند، با این حال چرا پرداختن به مسئله فرسودگی مدارس کمتر مورد توجه بوده است؟

فرسودگی مدارس یک تهدید جدی است که هر از گاهی با ریزش سقف یک کلاس زنگ خطرش به صدا در می‌آید. وضعیت فرسودگی مدارس نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش برنامه عملیاتی دقیق و اثربخشی برای نوسازی و حذف مدارس فرسوده نداشته و نهادهای نظارتی و به طور خاص مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه اقدام اثربخشی نکرده است. آموزش‌وپرورش برای تأمین ونوسازی فضاهای مورد نیاز و حذف مدارس فرسوده بیش از همه چیز و حتی بیش از تخصیص بودجه دولتی نیازمند تغییر رویکرد و راهبرد است. عملکرد نابسنده و ضعیف آموزش‌وپرورش در تأمین فضاهای مورد نیاز با وجود مشارکت بسیار پررنگ خیرین مدرسه‌ساز نشان می‌دهد ساختار برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور و ظرفیت‌های سازمان نوسازی مدارس با راهبردها و ساختار کنونی، توان و ظرفیت تأمین فضاهای مورد نیاز مدارس کشور را ندارد و آموزش‌وپرورش برای تأمین ونوسازی فضاهای مورد نیاز نه‌تنها در مدارس دولتی نمایان است، بلکه در مدارس غیردولتی هم که با سرمایه اشخاص غیردولتی تأسیس می‌شوند آشکار است. ضعف و ناتوانی سازمان نوسازی مدارس محدود به عدم تأمین فضاهای مورد نیاز مدارس دولتی و ضعف در نظارت بر ساختمان مدارس غیردولتی نیست. این سازمان در خصوص طراحی مدارس متناسب با اقلیم، اقتضائات منطقه، دوره تحصیلی و جنسیت ضعف‌های اساسی دارد. در سایت رسمی و دیگر انتشارات این سازمان، الگوها، طرح‌ها و نقشه‌های ساخت مدارس از قبیل هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به تناسب رشته‌ها و برنامه‌ها، مدارس شبانه‌روزی، مدارس ابتدایی دوره اول، دوره دوم و... دیده نمی‌شود.

بودجه سالانه برخی نهادها افزایش چشم‌گیری دارد، اما بودجه وزارت آموزش‌وپرورش در قرعه‌جدول قرار دارد و مسئولان آموزش‌وپرورش همواره به نبود بودجه برای عدم نوسازی و بازسازی مدارس اشاره دارند. اما چرا باید اعتبار سایر بخش‌ها و نهادها برای امنیت کودکان ارجحیت داشته باشد؟

متأسفانه ساختار بودجه آموزش‌وپرورش یک ساختار غیرعلمی است که توانایی تأمین اعتبارات حداقلی را ندارد. وضعیت نابه‌هنجار بودجه آموزش‌وپرورش نه‌تنها در اعتبارات ساخت و ساز مدارس، بلکه در سایر بخش‌ها از تأمین حقوق و مزایای معلمان، سرانه مدارس شبانه‌روزی، سرانه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان و... نیز وجود دارد. با تأسف باید بپذیریم که در کشور ما نظام بودجه‌ریزی و طراحی لایحه بودجه بر مبنای وظایف، مأموریت دستگاه‌ها و سازمان‌ها و اولویت‌های کشور نیست. آنچه در لایحه بودجه مهم است، سوابق قبلی و قدرت نفوذ، استدلال، اقناع، چانه‌زنی و ارتباط و تعامل مدیران دستگاه مربوطه است. وضعیت بودجه آموزش‌وپرورش نشان می‌دهد که این وزارتخانه در زمینه ارائه استدلال و اقناع مدیران سازمان برنامه و بودجه ضعیف عمل کرده است. از ظرفی آموزش‌وپرورش در گزارش‌های خبری و مصاحبه‌ها همه چیز را مطلوب و مناسب نشان داده است، غافل از اینکه این مصاحبه‌ها می‌تواند در تخصیص اعتبارات مبنا و محل استناد مدیران سازمان برنامه و بودجه قرار گیرد. لذا یکی از دلایل وضعیت بودجه نامناسب آموزش‌وپرورش، گزارش‌های خلاف واقعی است که وضعیت آموزش‌وپرورش را گل و بلبل نشان می‌دهد. گزارش‌هایی که از میزان رشد بودجه، افزایش حقوق معلمان و ساخت و ساز مدارس ارائه می‌شوند به گونه‌ای هستند که مخاطب تصور می‌کند در آموزش‌وپرورش همه چیز و به راه است و هیچ کم و کسری وجود ندارد. کم نیستند ویرانی‌هایی که با گزارش‌ها و آمارهای ناقص، انتخابی و مغایر با واقعیت سعی کرده و می‌کنند اوضاع وزارتخانه را روبه راه نشان دهند و خود را از وزیر و دولت قبلی موفق‌تر معرفی کنند.

نگرش نادرست به مأموریت‌های آموزش‌وپرورش یکی دیگر از دلایل کمبود اعتبارات ساخت و ساز مدارس است. زمانی که دردل خود آموزش‌وپرورش طرح‌هایی برای تشکیل معاونت اقتصادی تدوین می‌شود، به این معناست که مدیران آموزش‌وپرورش فهم درستی از مأموریت و مسئولیت وزارت آموزش‌وپرورش ندارند. در قانون مصوب ۱۳۳۴، مسئولیت تأمین فضاهای آموزشی و ورزشی مشترکا برعهده وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت کشور نهاده شده است. شوراهای آموزش‌وپرورش مناطق، انجمن شهر، کمیسیون‌های خاص وظیفه رصد و نظارت بر کار شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی در تأمین فضاهای آموزشی را برعهده داشتند. اما در حال حاضر آموزش‌وپرورش همه این ظرفیت‌ها و ساختارها را نادیده گرفته و سعی دارد با استفاده از فضاهای موجود خود که برای تأمین نیازهای کنونی دانش‌آموزان و معلمان کافی نیستند، درآمدزایی کند. با وجود سهم و اهمیت بسیار زیاد فعالیت‌های اردویی در رشد همه جانبه دانش‌آموزان، ظرفیت اردوگاه‌های دانش‌آموزی که به غلط در فهرست درآمدزایی آموزش‌وپرورش قرار گرفته‌اند، آنقدر ناکافی است که میانگین حضور دانش‌آموزان در اردوهای شبانه‌روزی در کل ۱۲ سال دوره تحصیل به ۲ اردو نمی‌رسد!

برخی منابع به فرسودگی ۵۰ درصد مدارس اشاره دارند و با توجه به بالا بودن امکان وقوع بلایای طبیعی در ایران، این آمار بدان معناست که هر لحظه خطر دانش‌آموزان را به ویژه در مناطق محروم تهدید می‌کند، با این حال چرا پرداختن به مسئله فرسودگی مدارس کمتر مورد توجه بوده است؟

فرسودگی مدارس یک تهدید جدی است که هر از گاهی با ریزش سقف یک کلاس زنگ خطرش به صدا در می‌آید. وضعیت فرسودگی مدارس نشان می‌دهد که آموزش‌وپرورش برنامه عملیاتی دقیق و اثربخشی برای نوسازی و حذف مدارس فرسوده نداشته و نهادهای نظارتی و به طور خاص مجلس شورای اسلامی نیز در این زمینه اقدام اثربخشی نکرده است. آموزش‌وپرورش برای تأمین ونوسازی فضاهای مورد نیاز و حذف مدارس فرسوده بیش از همه چیز و حتی بیش از تخصیص بودجه دولتی نیازمند تغییر رویکرد و راهبرد است. عملکرد نابسنده و ضعیف آموزش‌وپرورش در تأمین فضاهای مورد نیاز با وجود مشارکت بسیار پررنگ خیرین مدرسه‌ساز نشان می‌دهد ساختار برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور و ظرفیت‌های سازمان نوسازی مدارس با راهبردها و ساختار کنونی، توان و ظرفیت تأمین فضاهای مورد نیاز مدارس کشور را ندارد و آموزش‌وپرورش برای تأمین ونوسازی فضاهای مورد نیاز نه‌تنها در مدارس دولتی نمایان است، بلکه در مدارس غیردولتی هم که با سرمایه اشخاص غیردولتی تأسیس می‌شوند آشکار است. ضعف و ناتوانی سازمان نوسازی مدارس محدود به عدم تأمین فضاهای مورد نیاز مدارس دولتی و ضعف در نظارت بر ساختمان مدارس غیردولتی نیست. این سازمان در خصوص طراحی مدارس متناسب با اقلیم، اقتضائات منطقه، دوره تحصیلی و جنسیت ضعف‌های اساسی دارد. در سایت رسمی و دیگر انتشارات این سازمان، الگوها، طرح‌ها و نقشه‌های ساخت مدارس از قبیل هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به تناسب رشته‌ها و برنامه‌ها، مدارس شبانه‌روزی، مدارس ابتدایی دوره اول، دوره دوم و... دیده نمی‌شود.

آگهی ابلاغ

در اجرای ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن اسامی اشخاصی که نسبت به تصرفات آنها در فیروزکوه به استناد ماده ۷ آئین نامه مذکور رای به صدور سند مالکیت صادر گردید جهت اطلاع مالکین ثبتی به شرح ذیل اعلام می گردد.

یک اصلی فیروزکوه

پلاک ۹۰۶۸ فرعی: آقای کاظم عابدینی فرزند حبیب اله و خانم فاطمه اسفندیار فرزند رجبعلی مشاعا بالسویه شششدانگ یک دستگاه ساختمان و محوطه با کاربری مسکونی به مساحت ۹۹/۲۸ مترمربع به شماره پلاک ۹۰۶۸ فرعی مفروز از ۲۱۹۱ فرعی از سنگ ۱ اصلی واقع در فیروزکوه

لذا مراتب به علت عدم دسترسی به مالکین آگهی تا چنانچه اعتراضی دارند اعتراض کتبی خود را ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک فیروزکوه تسلیم نمایند. معترضین پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت ۲۰ روز مهلت دارند که دادخواست خود را به دادگاه تقدیم و گواهی طرح دعوی به ثبت محل ارائه دهند. در غیر این صورت پس از اتمام مهلت یاد شده سند مالکیت مربوطه بنام متصرفین صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۲۹

م الف ۳